

۲۲ صندوق بازنشستگی  
فعال هستند



بر اساس استانداردهای جهانی باید

در مقابل بازنشسته شدن هر یک نفر،

حداقل پنج نفر به سیستم بیمه پردازی وارد شود

تا صندوق بازنشستگی بتواند به حیات خود ادامه دهد.

## تعداد مستمری بگیران در صندوق ها

شرکت سرمایه گذاری و خدمات مدیریت  
صندوق بازنشستگی کشوری  
(سهامی خاص)



حدود یک میلیون و ۲۰۰ هزار

سازمان تامین اجتماعی



بیش از سه میلیون

سازمان بیمه خدمات درمانی  
نیروهای مسلح



۶۷۰ هزار بازنشسته

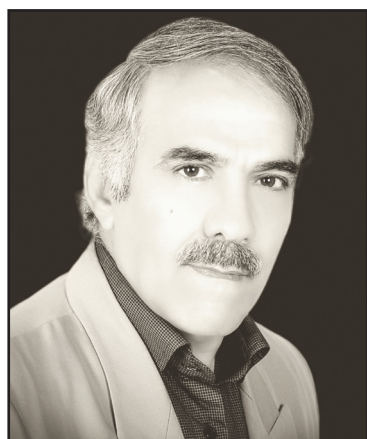
## حالا و روز تعدادی از صندوق های بازنشستگی کشور



تشریف کساء

## نقدی بر کتاب «زادگاه سلمان» نوشته‌ی: شادروان محمدمهدی مظلومزاده

نگارش: محمد رجبی



سلمان آقادر به عُمر نزدیک می‌شود که فرمانروایی بزرگترین و مهمترین و فرزندان و غلامان و کنیزانش که حدود صد نفر می‌شوند، در آن جای دارند! اهل بیت مورد نظر شیعه که آیه‌ی تطهیر در شأن‌شان نازل شده، پنج نفری است که به پنج تن آل عبا معروفند! روزی حضرت رسول(ص) فاطمه و علی و حسن و حسین را زیر عبای خود جمع کرد و برای‌شان سخن گفت؛ که به حدیث کساء معروف است، «بوسعید و جماعه من التابعین منم مجاهد و قتاده ایان اهل بیت؛ علی و فاطمه و الحسن و علیهم السلام، و الذلیل علیهم ما روت عایشه: قالت خرج رسول الله(ص) ذات غمأة و علیه مرط مرجل من شعر اسود فجلس فآتت فاطمة فادخلها فیه ثم جاء علی فادخله فیه جاء ثم حسن فادخله فیه جاء حسین فادخله فیه ثم قال: انما یریدالله لیزهبن عنکم الرجس اهل البیت و یتطهروکم تطهیراً، و عن ام سلمه قالت: فی بیته انزلت: انما یریدالله لیزهبن عنکم الرجس اهل البیت، قالت فارسل رسول الله(ص) الی فاطمة وعلی و الحسن و الحسنین فقال: هؤلاء اهل بیته» (مبیدی، کشف الاسرار، سوره احزاب، جلد ۸ ص ۴۵) ص اهل بیت تطهیرشده، این پنج تنند و فرزندان حسین علیه السلام، حتی زینب قهرمان کربلا و عباس علمدار کربلا، این سعادت را نمی‌یابد و بنی الحسن هم از این فیض محرومند! فرزندان حسین(ع) از شهربانو همسر ایرانی‌ش، اهل بیت مطهرند! برقرار باد تشیع و اندیشه‌ی ایرانی، براین اساس؛ خوره یا قره‌ی ایزدی، در مقام بی‌بدیل ولایت ادامه می‌یابد که هر دو آسمانی و مقدس است!

و به‌قول پرده‌خوانان هنرمند: «وکسی را نرسد دعوی آگاهی و دانایی و والایی و بالایی و این مرتبه مخصوص بُود، اول و آخر، چه به دنیا؛ چه به عقبا، به کسانی که خداوند تعالی ز ره لطف رسا برقدشان ساخته، تشریف کساء را.» شخصیت‌های مورد علاقه و اعتماد عُمر؛ در اسلام، به ترتیب عبارتند از: ۱. حضرت رسول(ص) ۲. ابوبکرایی قحافه ۳. ابو عبیده جراح ۴. سلمان پارسی ۵. صهیب یونانی (رومی) ۶. عبدالرحمان عوف (رئیس شش نفره‌ی خبرگان تعیین رهبری منتخب عُمر که حق علی را پایمال و خلافت را به عثمان می‌سپارد) ۷. عثمان بن عفان ۸. علی بن ابیطالب ۹. طلحه بن عبیدالله ۱۰. زبیربن عوام ۱۱. سعد بن ابی وقاص ۱۲. عایشه بنت ابوبکر [ده آیه از سوره نور، در شأن پاکدامنی او نازل شده].

سلمان آقادر به عُمر نزدیک می‌شود که فرمانروایی بزرگترین و مهمترین و فرزندان و غلامان و کنیزانش که حدود صد نفر می‌شوند، در آن جای دارند! اهل بیت مورد نظر شیعه که آیه‌ی تطهیر در شأن‌شان نازل شده، پنج نفری است که به پنج تن آل عبا معروفند! روزی حضرت رسول(ص) فاطمه و علی و حسن و حسین را زیر عبای خود جمع کرد و برای‌شان سخن گفت؛ که به حدیث کساء معروف است، «بوسعید و جماعه من التابعین منم مجاهد و قتاده ایان اهل بیت؛ علی و فاطمه و الحسن و علیهم السلام، و الذلیل علیهم ما روت عایشه: قالت خرج رسول الله(ص) ذات غمأة و علیه مرط مرجل من شعر اسود فجلس فآتت فاطمة فادخلها فیه ثم جاء علی فادخله فیه جاء ثم حسن فادخله فیه جاء حسین فادخله فیه ثم قال: انما یریدالله لیزهبن عنکم الرجس اهل البیت و یتطهروکم تطهیراً، و عن ام سلمه قالت: فی بیته انزلت: انما یریدالله لیزهبن عنکم الرجس اهل البیت، قالت فارسل رسول الله(ص) الی فاطمة وعلی و الحسن و الحسنین فقال: هؤلاء اهل بیته» (مبیدی، کشف الاسرار، سوره احزاب، جلد ۸ ص ۴۵) ص اهل بیت تطهیرشده، این پنج تنند و فرزندان حسین علیه السلام، حتی زینب قهرمان کربلا و عباس علمدار کربلا، این سعادت را نمی‌یابد و بنی الحسن هم از این فیض محرومند! فرزندان حسین(ع) از شهربانو همسر ایرانی‌ش، اهل بیت مطهرند! برقرار باد تشیع و اندیشه‌ی ایرانی، براین اساس؛ خوره یا قره‌ی ایزدی، در مقام بی‌بدیل ولایت ادامه می‌یابد که هر دو آسمانی و مقدس است!

و به‌قول پرده‌خوانان هنرمند: «وکسی را نرسد دعوی آگاهی و دانایی و والایی و بالایی و این مرتبه مخصوص بُود، اول و آخر، چه به دنیا؛ چه به عقبا، به کسانی که خداوند تعالی ز ره لطف رسا برقدشان ساخته، تشریف کساء را.» شخصیت‌های مورد علاقه و اعتماد عُمر؛ در اسلام، به ترتیب عبارتند از: ۱. حضرت رسول(ص) ۲. ابوبکرایی قحافه ۳. ابو عبیده جراح ۴. سلمان پارسی ۵. صهیب یونانی (رومی) ۶. عبدالرحمان عوف (رئیس شش نفره‌ی خبرگان تعیین رهبری منتخب عُمر که حق علی را پایمال و خلافت را به عثمان می‌سپارد) ۷. عثمان بن عفان ۸. علی بن ابیطالب ۹. طلحه بن عبیدالله ۱۰. زبیربن عوام ۱۱. سعد بن ابی وقاص ۱۲. عایشه بنت ابوبکر [ده آیه از سوره نور، در شأن پاکدامنی او نازل شده].

سلمان آقادر به عُمر نزدیک می‌شود که فرمانروایی بزرگترین و مهمترین و فرزندان و غلامان و کنیزانش که حدود صد نفر می‌شوند، در آن جای دارند! اهل بیت مورد نظر شیعه که آیه‌ی تطهیر در شأن‌شان نازل شده، پنج نفری است که به پنج تن آل عبا معروفند! روزی حضرت رسول(ص) فاطمه و علی و حسن و حسین را زیر عبای خود جمع کرد و برای‌شان سخن گفت؛ که به حدیث کساء معروف است، «بوسعید و جماعه من التابعین منم مجاهد و قتاده ایان اهل بیت؛ علی و فاطمه و الحسن و علیهم السلام، و الذلیل علیهم ما روت عایشه: قالت خرج رسول الله(ص) ذات غمأة و علیه مرط مرجل من شعر اسود فجلس فآتت فاطمة فادخلها فیه ثم جاء علی فادخله فیه جاء ثم حسن فادخله فیه جاء حسین فادخله فیه ثم قال: انما یریدالله لیزهبن عنکم الرجس اهل البیت و یتطهروکم تطهیراً، و عن ام سلمه قالت: فی بیته انزلت: انما یریدالله لیزهبن عنکم الرجس اهل البیت، قالت فارسل رسول الله(ص) الی فاطمة وعلی و الحسن و الحسنین فقال: هؤلاء اهل بیته» (مبیدی، کشف الاسرار، سوره احزاب، جلد ۸ ص ۴۵) ص اهل بیت تطهیرشده، این پنج تنند و فرزندان حسین علیه السلام، حتی زینب قهرمان کربلا و عباس علمدار کربلا، این سعادت را نمی‌یابد و بنی الحسن هم از این فیض محرومند! فرزندان حسین(ع) از شهربانو همسر ایرانی‌ش، اهل بیت مطهرند! برقرار باد تشیع و اندیشه‌ی ایرانی، براین اساس؛ خوره یا قره‌ی ایزدی، در مقام بی‌بدیل ولایت ادامه می‌یابد که هر دو آسمانی و مقدس است!

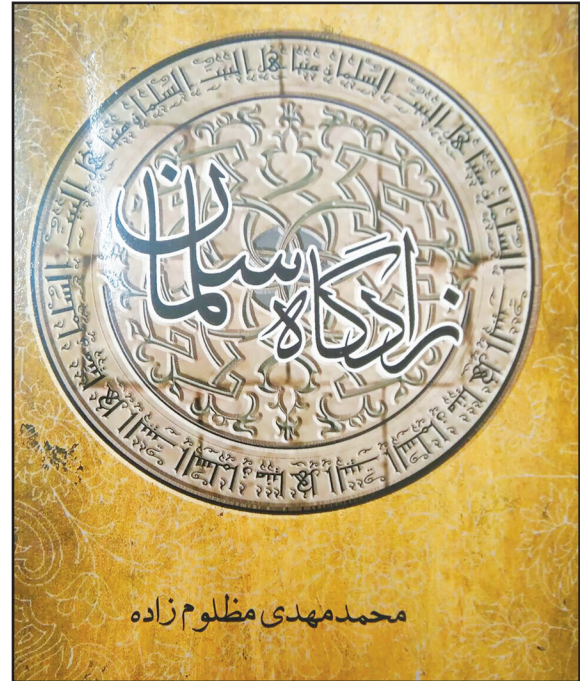
انصار برادر می‌شود و یکی از صحابه‌ی بزرگ می‌گردد، سال پنجم و هشتم هجرت در جنگ خندق و طائف، نظرش مبنی بر کندن خندق و ساخت منجیق، مورد قبول حضرت رسول(ص) قرار می‌گیرد. پس از فتح تیسفون (پایتخت ایران) توسط عُمر خطاب به فرمانروایی آن که به مداین معروف گشته، منصوب می‌شود و در ۸۴ سالگی از دنیا می‌رود و در مداین به خاک سپرده می‌شود. (لویی ماسینیون، سلمان پاک، ص ۸۸)

گویند: سلمان در سقیفه (سایبان) بنی ساعده، از علی(ع) دفاع نمود! با توجه به کینه عُمر نسبت به اشخاصی که به سقیفه و انتخاب ابوبکر، اعتراض داشتند، انتصاب او به‌عنوان مشاور مورد وثوق خود و فرمانروایی مداین، شگفت‌انگیز است! کینه و قضاوت عُمر زیانزد خاص و عام بود!

«ابو جعفر گوید: سبب عزل خالد بن سعید بن عاص، چنان بود که وی پس از درگذشت پیامبر خدا(ص) از یمن بیامد و دو ماه در کار بیعت درنگ کرد و می‌گفت: پیامبر مرا سالاری داده و تا وقتی وفات یافته مرا معزول نکرده و علی بن ابیطالب و عثمان بن عفان را دیده بود و گفته بود: ای پسران عبد مناف [پسر قسی بن کلاب جد چهارم پیامبر(ص)] و نام پدر حضرت علی(ع) که شبیه (عبدالمطلب) به احترام جدش برپرس خود گذاشت] چرا رضایت داده‌اید، کار شما به دست دیگری افتد!» ابوبکر به کار وی اهمیت نداد، اما عُمر کینه او را به دل گرفت و هنگامی که ابوبکر سپاه سوی شام می‌فرستاد و خالد بن سعید، به امیری یکی از چهار سپاه گماشته شد، عمر سخن آغاز کرد و گفت: او را که چنین و چنان کرد و فلان و بهمان گفت، سالاری می‌دهی؟ و چنان اصرار کرد که ابوبکر او را معزول و یزد بن ابی سفیان را سالار کرد. (طبری، ج ۴، ص ۱۵۲۶) «مُشیر بن فضل گوید: خالد بن سعید بن عاص در یمن بود، یک‌ماه بعد از درگذشت پیامبر بیامد و جبه‌ی دبیبا به تن داشت، عُمر بن خطاب و علی بن ابیطالب را بدید، عُمر به کسانی که نزدیک وی بودند، بانگ زد: جبه‌ی او را پاره کنید، حریر پوشیده و کسان جبه خال پاره کردند و او گفت: ای اباحسن، ای پسر عبدمناف، بر شما تسلط یافتند؟ علی گفت: به نظر تو این تسلط یافتن است یا خلافت؟ خالد گفت: ای پسر عبد مناف هیچکس مانند شما، سزاوار خلافت نبود! عُمر گفت: خدا دهانت را خورد کند به خدا پیوسته دروغ زنی، در باره‌ی گفتار تو سخن کنند؛ اما جز خویشتن را زبان زنی» (طبری ج ۴ ص ۱۵۲۷)

اگر سلمان معترض انتخاب سقیفه بود، عُمر با کینه‌ای که از مخالفان سقیفه داشت، هرگز نمی‌توانست به او نزدیک شود! سعد بن عباده؛ بزرگ اوس، شخصی که بخشی از بهای سلمان را برای آزادیش پرداخته بود، چون با انتخاب سقیفه مخالف بود و خود دعوی نامزدی خلافت داشت، توسط سازمان خفیه عُمر ترور شد و شایع کردند که اجنه او را کشتند!

اگر سلمان معترض انتخاب سقیفه بود، عُمر با کینه‌ای که از مخالفان سقیفه داشت، هرگز نمی‌توانست به او نزدیک شود! سعد بن عباده؛ بزرگ اوس، شخصی که بخشی از بهای سلمان را برای آزادیش پرداخته بود، چون با انتخاب سقیفه مخالف بود و خود دعوی نامزدی خلافت داشت، توسط سازمان خفیه عُمر ترور شد و شایع کردند که اجنه او را کشتند!



محمدمهدی مظلومزاده

کنون تا چه داری بیار از خرد که گوش نبوشده رامش برد

(فردوسی)

آنچه از سلمان پارسی؛ پیش از قبول اسلام در کتب مختلف انتشار یافته، در هاله‌ای از ابهام و برخی به افسانه شبیه است! شادروان محمدمهدی مظلومزاده، برای اثبات تخیل خود که دلش می‌خواست سلمان کازرونی باشد، در اثرش «زادگاه سلمان» به هر قولی متشبث شده تا فرضیه‌ی خود را اثبات کند و از این لحاظ بی‌طرفی خود را در تحقیق رعایت نکرده و به دنبال اسنادی گشته که نظرش را تأیید کند، حتی کازرون را دیار سلمان نامیده و به آن افتخار کرده است! شادروان شریعتی هم، در آیات و روایات به دنبال مطلبی که در ذهنش آمده بود می‌گشت و فرضیه‌ای از پیش تعیین شده داشت که برای اثباتش اسناد معتبر لازم بود! این نوع پژوهش‌ها از حیث اعتبار بیرون است!

آنچه به واقعیت نزدیک است «سلمان» برده‌ی یک یهودی بنی قریظه به نام عثمان بن اشهل و زنی از قبیله‌ی جهینه یا سلم و خالصه دختر یکی از احلاف بنی نجار، و کارش نگهداری تاکستان‌های یشرب بوده، هنگامی که حضرت رسول(ص) به یشرب مهاجرت می‌کند و یشرب، مدینه نامیده می‌شود، سلمان به دیدار او می‌رود (سال اول یا دوم هجرت) و به اسلام می‌گردد، به توصیه پیامبر توسط هم‌کیشان جدیدش به بهای ۳۰۰ یا ۳۶۰ نهای نخل و ۱۰ تا ۴۰ اوقیه طلا (واحد وزن برای اندازه‌گیری طلا) خریده و آزاد می‌گردد، با اینکه در مدینه بود جزء مهاجرین قرار گرفت و به دستور پیامبر با حذیفه از